

بررسی نقش اخوان المسلمین در تحولات سیاسی سوریه

(۱۹۵۴-۲۰۱۵ م)

سیده لیلا تقوی سنگدهی^۱

سعیده وحیدفر^۲

چکیده

جمعیت اخوان المسلمین سوریه، به پیروی از جمعیت اخوان المسلمین مصر شکل گرفت. این جنبش که در سال ۱۹۴۵ میلادی، توسط دکتر مصطفی سباعی، با هدف مبارزه با استعمار و نیز مقابله با اشغال سوریه از سوی فرانسه، در شهر حلب به وجود آمد؛ از همان ابتدا در تلاش برای اصلاح وضعیت جامعه از نظر اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و ... بوده و تأثیرات عمده‌ای بر تحولات سوریه، به ویژه تحولات سیاسی این کشور، گذاشته است. اخوان سوری، در صدد برآمد تا همانند انقلاب اسلامی ایران، دست به انقلابی موفقیت آمیز دست بزند. هدف عمده این سازمان، تشکیل حکومت اسلامی بر پایه تعالیم اسلام بود. اگرچه در نیل به این مقصود، بین اعضای این سازمان، اختلاف بود، و همین مسأله سبب انشعاب شد. حتی پس از چندی، آنان نتوانستند یک فرد را به عنوان رهبر سیاسی و فکری بپذیرند، لذا برخی از افراد صاحب نفوذ، به صورت دسته جمعی رهبری می‌کردند. این گروه، بعد از به رسمیت شناخته شدن و روی کار آمدن حزب سوسیالیستی بعث در سوریه و حمایت حافظ اسد، و پس از آن، بشّار اسد، از این حزب، همواره در تنش و مخالفت با دولت دمشق بوده و دست به شورش‌های مکرر و اقدامات مسلحانه زده است.

واژه‌های کلیدی: سوریه، اخوان المسلمین، حزب سوسیالیستی بعث، خاندان اسد.

۱. استادیار گروه تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان Sangdehi@yahoo.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ و تمدن ملل اسلامی دانشگاه زنجان Saeede.vahidfar@znu.ac.ir

تاریخ دریافت: ۱۳۹۴/۰۲/۱۵ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۴/۰۶/۳۰



مقدمه

بعد از جنگ جهانی اول که در سال‌های ۱۹۱۴ تا ۱۹۸۱ میلادی، رخ داد؛ بر اساس عهدنامه «سایکس-پیکو»، سوریه، مستعمره فرانسه شد. همین امر سبب بحران‌های داخلی و خارجی برای سوریه شد. این اتفاق، واکنش بسیاری از متفکران مسلمان را برانگیخت، و سرانجام در تأسیس جمعیت اخوان المسلمین سوریه که پس از اخوان المسلمین مصر، مهم‌ترین انجمن محسوب می‌شود؛ تجلی یافت. شعبه اخوان المسلمین سوریه، توسط مصطفی سباعی شکل گرفت. این سازمان، از همان ابتدا به فکر تشکیل حکومت بر پایه اسلام و تلاش جهادی برای رسیدن به این مقصود بود. این سازمان، در طول حیات خود در تحولات داخلی و خارجی سوریه تأثیرگذار بوده و در ۴۵ سال اخیر جزء مخالفان حکومت سوریه محسوب می‌شود.

بر این اساس، هدف این مقاله بررسی نقش و جایگاه اخوان المسلمین سوریه در این کشور، و مواضع دولت سوریه در قبال این گروه، می‌باشد. تلاش پژوهش حاضر این است که با روش توصیفی-تحلیلی به پرسش‌های زیر پاسخ دهد:

۱. ماهیت اخوان المسلمین سوریه چیست؟
۲. جنبش اخوان المسلمین سوریه چه نقشی در تحولات سیاسی این کشور ایفا کرده است؟

پیدایش اخوان المسلمین سوریه

ورود اخوان به سوریه از طریق آشنایی برخی از دانشجویان سوری قاهره با عقاید حسن البنا صورت گرفت. یکی از این افراد مصطفی السباعی بود. (فرهی و آئینه‌وند، ۱۳۹۰: ۳۶) البته برونپار، اولین ارتباط‌ها را از طریق یک واسطه به نام «محمد الهادی عطیه» در بیروت، با انجمن خیریه سوریه می‌داند، و عامل پیوستن جنبش اسلامی



سوریه، به رهبری مصطفی السباعی را، کمک اخوان مصر به آن‌ها برمی‌شمارد.
(Briynjar, 1998:154&155)

اخوان المسلمین سوریه در سال ۱۹۴۵ م، در شهر حلب، به وسیله دکتر مصطفی السباعی، به تأسی از اخوان المسلمین مصر، و به منظور مبارزه با اشغال سوریه از سوی فرانسه، و سر و سامان دادن به اوضاع نابسامان اقتصادی، و رفع شکاف موجود بین جهان عرب از طریق احیای اسلام به وجود آمد. (ذوالفقاری، ۱۳۸۹: ۱۱۸-۱۱۹)

سباعی، جنبش خود را، روح و انقلابی جدید می‌دانست، که هدفش، استقرار یک نظام اسلامی جامع بود. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۴) این جمعیت، یکی از برجسته‌ترین گروه‌های اسلامی معارض در سوریه بوده است. (اصلاحی، ۱۳۹۱: ۴۶)

ریشه‌های اخوان المسلمین سوریه را می‌توان در جمعیت‌های اسلامی یا جوامع خیریه اجتماعی گوناگونی جستجو کرد که طی اواخر قرن نوزدهم بوجود آمدند. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۳) در واقع، نخستین هسته‌های مقاومت اسلامی سوریه در اواخر دهه ۱۹۳۰ م، علیه استعمار فرانسه شکل گرفت، و شاگردان حسن البنا، رهبر اخوان المسلمین مصر، توانستند تشکیلات مشابهی در شهرهای قدیمی سوریه نظیر دمشق، حلب، حمص و حماه به وجود آورند. (امامی، ۱۳۷۶: ۱۸۱) بدین صورت که، در اواسط دهه ۳۰ قرن بیستم، سومین کنفرانس عمومی اخوان المسلمین مصر در سال ۱۹۳۵ با استفاده از وسایل و ابزار مختلف تصمیم به گسترش دعوت در خارج از مصر گرفت. (البنا، بی تا: ۲۶۵) در این راستا، جمعیت‌های اسلامی بسیاری با اسامی متعدد به وجود آمدند؛ از جمله: دارالارقم در حلب در سال ۱۹۳۶، جمعیت اخوان المسلمین در سال ۱۹۳۹. جماعت از طریق این پایه‌ها توانست پنجمین کنفرانس سالانه جمعیت‌های «جوانان محمد (ص)» را در سوریه در سال ۱۹۴۴ به اولین کنفرانس عمومی و تأسیسی جماعت اخوان المسلمین در سوریه تبدیل کند. در رأس این پایه‌ها، مصطفی السباعی،



دبیر جمعیت انجمن دینی در حمص قرار داشت. در این کنفرانس قرار شد که جمعیت‌های جوانان محمد (ص)، با نام «اخوان المسلمین در سوریه» یکپارچه شوند. مصطفی السباعی به سمت ناظر کل این جماعت انتخاب شد. به این ترتیب، پایه‌های اخوان المسلمین بازسازی شد و آن‌ها در ساختار تشکیلاتی جدیدی جای گرفتند که از شکل و شیوه جمعیت خیریه خارج شده و به صورت سازمان حزبی جدید درآمد بود. (محمد، ۱۳۸۳: ۹-۱۰)

این انجمن آنقدر رشد کرد و مورد توجه قرار گرفت؛ که پس از ترور حسن البنا در سال ۱۹۴۹ م، و همچنین انحلال انجمن در سال ۱۹۵۴ م، بیشترین توجه اخوان‌ها، به اخوان سوریه، و شخص مصطفی السباعی که مهم‌ترین کاندیدای رهبری اخوان المسلمین محسوب می‌گردید؛ جلب شد. (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۱۷۲)

در سال ۱۹۴۶ با اینکه حزب مذهبی اخوان المسلمین از حمایت بسیار نیرومند محلی برخوردار بودند؛ اما درگیری‌های محلی در سال‌های پس از ۱۹۴۶ ایشان را چنان فرسوده ساخت که هنگام گردهمایی رهبران‌شان در دمشق اندک توشه‌ای بر ایشان بجای مانده و همچنان درگیر مسائل محلی بودند. (برزین، ۱۳۶۵: ۴۴-۴۵) اخوان المسلمین سوریه که هدف خود را استقرار یک نظامی جامع معرفی کرده بود؛ لذا برای حصول به این هدف، نخست به ارشاد و موعظه مردم و دولت روی آورد، اما در اواخر دهه ۱۹۶۰ م گروهی از اعضای جنبش، این روش را بی نتیجه ارزیابی کرده و جهاد علیه دولت را برگزیدند. این گروه به طور رسمی با تأسیس «جبهه اسلامی سوریه» در ۱۹۸۰ م راه خود را از گروه اصلاح طلب اخوان المسلمین سوریه جدا کردند. (اصلاحی، ۱۳۹۱: ۴۶-۴۷؛ دوئرتی، ۱۳۸۵: ۵۵)

بارزترین مشخصه این جنبش در سوریه، مخالفت دائمی آن با دستگاه سیاسی کشور است. از مهم‌ترین جلوه این مخالفت، می‌توان به درگیری نظامی ۱۹۸۲ م، طرفداران

جهاد ضد دولتی جنبش اخوان المسلمین با نیروهای حکومتی اشاره کرد. طی آن، یک نبرد سه هفته‌ای در «شهر حما» صورت گرفت، که منجر به کشته و مجروح شدن تعداد زیادی از مقامات دولتی و حزبی «حزب بعث سوریه» و نیز، سرکوب شدید اعضای جنبش، از سوی دولت بعثی سوریه گردید. (دوثرتی، ۱۳۸۵: ۵۵) بعد از درگیری‌های این حزب در اوایل دهه ۹۰ قرن گذشته نیز، اکثر اعضا و رهبران این حزب اعدام و یا از سوریه خارج و به عراق و عربستان پناهنده شدند. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۳)

طبق بعضی گزارش‌ها، برخی عناصر غیر اسلامی فعالانه، از اخوان حمایت کرده‌اند، و دستجاتی چون جناح‌های ناراضی بعثی، کمونیست‌ها، گروه چپگرا و افراطی بریگارد سرخ، انجمن وکلا، تجار و اقشار حرفه‌ای، در اعتراض‌های عمومی و مخفی شرکت جستند. یکی از روشن‌فکران چپ سوری در این باره گفته بود: «افراد انگشت شماری با اخوان المسلمین هم‌فکرند، همه از مبارزه ضد دولتی‌ها حمایت می‌کنند. چنان‌چه اخوان برنامه سیاسی داشتند، می‌توانستند قدرت را همین فردا به دست آورند». (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۳۹-۲۴۰)

رهبران اخوان المسلمین سوریه

اسامی رهبران اخوان المسلمین سوریه به ترتیب زیر می‌باشد:

مصطفی السباعی (۱۹۴۵-۱۹۶۴ م)، عصام‌رضا العطار (۱۹۶۴-۱۹۷۳ م)، عبدالفتاح ابوغده (۱۹۷۳-۱۹۷۵)، عدنان سعدالدین (۱۹۷۵-۱۹۸۱ م)، حسن هویدی (۱۹۸۱-۱۹۸۵ م)، منیر الغضبان (۱۹۸۵) به مدت سه ماه، محمد دیب الجاجی (۱۹۸۵) به مدت شش ماه، عبدالفتاح ابوغده (۱۹۸۶-۱۹۹۱ م) برای بار دوم، حسن هویدی (۱۹۹۱-۱۹۹۶ م) برای بار دوم، علی صدرالدین البیانونی (۱۹۹۶-۲۰۱۰ م)، محمد ریاض شقفه (آگوست ۲۰۱۰)، محمد ولید حکمت (۲۰۱۴- تا کنون)



مصطفی حسنی سباعی (۱۲۹۴-۱۳۳۴ ه.ق / ۱۹۱۵-۱۹۶۴ م)، دوست حسن البنا، که اولین رهبر اخوان المسلمین سوریه بود، از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۴۹ م، در این سمت باقی ماند. (اصلاحی، ۱۳۹۱: ۴۷) او، دانشمند سوری و رئیس دانشکده فقه اسلامی و مدرسه عالی حقوق در دمشق بود. (فراستخواه، ۱۳۷۷: ۲۳۸) تأثیر عمیق شخصیت دینی و فکری حسن البنا، بذر رهبری را در وی نهاد. جهت‌گیری ایدئولوژیک او به البنا بسیار نزدیک بود. (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۲۰۳)

اشغال سوریه از سوی فرانسه و نتایج سیاسی و اقتصادی ناشی از تقسیم و شکاف جهان عرب به واحدهای ملی جداگانه، انگیزه عمده فعالیت سباعی را فراهم کرد. (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۲۶-۲۲۷) همچنین، حسن البنا از وی خواسته بود در مصر بماند و جانشین او در اخوان المسلمین باشد. (علیخانی، ۱۳۸۴: ۴۶۷/۲) در ۱۹۴۴، که مصطفی السباعی چندین جامعه اسلامی سوریه را در هم ادغام کرده بود، مقر خود را به دمشق منتقل کرد. وی، به عنوان ناظر کل «مراقب العام»، از سال ۱۹۴۵ تا ۱۹۶۱ م، اخوان المسلمین سوریه را با همکاری اخوان المسلمین مصر رهبری کرد. (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۱۷۲-۱۷۳) او مجله‌ای با عنوان تمدن اسلامی یا الحضاره الاسلامیه منتشر کرد که هنوز هم فعالیت آن ادامه دارد. (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۲۶)

شایان ذکر است که، سیاست السباعی در تبدیل یکباره جماعت به «حزب دموکراتیک اسلامی» باعث بروز کشمکش شدیدی در درون جماعت شد، که انشعاب ۱۹۵۴ م را دنبال داشت. اهمیت این انشعاب در این است که برای اولین بار، آثار و نشانه‌های دو مکتب را در تشکیلات اخوانی سوری نشان می‌داد، که به تدریج، تبلور یافتند تا اینکه در دهه ۸۰، کاملاً از هم جدا شدند. (محمد، ۱۳۸۳: ۱۳) از لحاظ فکری سباعی بیش از هر رهبر سیاسی دیگری بر اندیشه اخوان المسلمین تأثیر گذار بود.

بعد از سباعی، عصام عطار (۱۳۴۶ هـ. ق / ۱۹۲۷ م) به رهبری اخوان برگزیده شد. (اصلاحی، ۱۳۹۱: ۴۷) وی فردی شدیداً اصلاح طلب بود، و هرگز از خشونت انقلابی چشم پوشی نمی کرد. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۳) در جریان روزهای مصیبت بار شکست ۱۹۶۷، در اثر بروز اختلاف میان گروه میانه‌رو طرفدار عطار در دمشق و طرفداران جهاد در شهرهای شمالی کشور، اخوان المسلمین منشعب شد. این انشعاب عوامل داخلی متعدد از جمله تفکر رهبران داخلی در خصوص رهبری غیر فعال عطار و اختلافشان درباره میزان ضرورت وجود ناظر کل در خارج از منطقه بود. (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۳۵-۲۳۶)

پس از «عصام عطار» پروفیسور «عبدالفتاح ابوغده» (۱۳۳۶-۱۴۱۸ هـ. ق / ۱۹۱۷-۱۹۹۷ م)، عالم دینی سوری، که شخصیتی فوق العاده، معتبر و محترم بود در دهه شصت میلادی به سمت رهبری جمعیت انتخاب گردید، اما وی به دلیل خطر جانی که او را تهدید می کرد سوریه را به مقصد عربستان ترک کرد. مباحث مطرح شده که رهبری جمعیت نباید خارج از کشور باشد و از دور رهبری را بر عهده گیرد؛ منجر به کناره‌گیری او از سمت خود شد. (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۳۵-۲۳۶)

در اواسط دهه ۱۹۷۰، «عدنان سعدالدین» (۱۳۴۸-۱۴۳۱ هـ. ق / ۱۹۲۹-۲۰۱۰ م) که معلم و نویسنده بود؛ (دکمجیان، ۱۳۶۶: ۱۸۶) رهبری اخوان المسلمین را به دست گرفت و چند مرحله بر ضد رژیم بعث جهاد کرد. علت این اقدامات، نقش سوریه در جنگ داخلی لبنان، فساد حکومتی، رشد تجارت مصرفی و تورم سرسام آور بود؛ اما دلیل اصلی مخالفت اسلامی، پیشرفت علوی ها در رژیم و فرسایش قدرت و موقعیت اقتصادی سنی ها بود. در حالیکه سنی ها، پست های مهمی در ارگان های سیاسی (کابینه، قوه قضائیه، و حزب) به عهده داشتند؛ اما قدرت نظامی مؤثر، در دست حافظ اسد و خویشاوندان علوی او بود. (یزدانی و ابراهیمی و جعفری، ۱۳۹۱:



۲۶۰-۲۶۱) سعد الدین که از سال ۱۹۴۳ به عضویت اخوان المسلمین در آمد؛ یکی از رهبرانی بود که جبهه داخلی سوریه را در تبعید رهبری می‌کرد. وی یکی از سه نفر نویسندگان بیانیه اخوان المسلمین، و از مبتکرین جبهه اسلامی بود. (آقایی و صفوی، ۱۳۶۵: ۱۵۹-۱۶۰) رهبری اخوان سوریه را در سال ۱۹۹۶ م وکیل علی صدرالدین البیانونی، به عهده داشت و مرکز فعالیت آن در لندن بود. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۳) بعد از آن، به مدت هیجده سال، رهبری اخوان المسلمین سوریه به صورت جمعی انجام گرفت. بارزترین مشخصه این جنبش در سوریه، مخالفت دائمی آن با دستگاه سیاسی کشور است. (اصلاحی، ۱۳۹۱: ۴۷)

سرانجام، اخوان المسلمین سوریه در ۷ نوامبر ۲۰۱۴، محمد حکمت ولید را به عنوان رهبر جدید خود برگزید.

رهبران اخوان المسلمین، هم از لحاظ سیاسی و تشکیلاتی، و هم از لحاظ فکری، در سازمان اخوان المسلمین، بالاترین قدرت و نفوذ را داشته‌اند، و اندیشه و عقاید اعضا در امور مختلف، برگرفته از آراء آنان است. از میان رهبران، از لحاظ فکری و عقیدتی، بیشترین نفوذ را نیز مصطفی سباعی داشته است.

عقاید اخوان المسلمین سوریه

اسلام: اخوان المسلمین سوریه از اینکه فرقه ای مذهبی جلوه کنند، پرهیز داشتند. آنان معتقد بودند که حرکتشان بازگشت به سوی تعالیم اساسی و حقیقی ادیان است و تمامی ادیان در امور ویژه ای یکسان و مشترک هستند. (یزدانی و ابراهیمی و جعفری، ۱۳۹۱: ۲۶۰) یکی از شاخصه‌های اندیشه اخوان المسلمین سوریه، نظر رهبر آنان، السباعی، در مورد سوسیالیسم اسلامی بود. اخوان، همیشه معتقد بوده‌اند که اسلام، فی حد ذاته، همه عناصر تجدید حیات سوسیالیستی را در خود دارد، پس طبیعی است که به یاد سوسیالیسم آن، چنانکه می‌دیده‌اند؛ باید به زبان مجموعه‌ای از

معتقدات ناب اسلامی برگردانند. (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۲۷) آن‌ها بر آن شدند که، با توجه به قدرت انعطاف اصول اساسی اسلام، یعنی قرآن، سنت، اجماع و قیاس، این دین را با شرایط زمانه تطبیق داده و سعادت خلق‌های کشورهای مختلف را، چه از نظر مادی و چه معنوی تأمین نمایند. (الحسینی، ۱۳۷۷: ۱۴۱-۱۴۲)

سباعتی می‌گوید در اسلام، مالک حقیقی همه چیز خداوند است. و این به معنی آن است که همگان حق دارند از مواهب طبیعی بهره ببرند. منشاء کار، مالکیت شرافتمندانه و مقصد آن، رفاه اجتماعی است. (پولادی، ۱۳۹۰: ۲۰۷-۲۰۸)

سیاست و حکومت: اخوان سوریه تحت تأثیر اندیشه حسن البناء، حکومت را رکنی از ارکان اسلام می‌داند. حسن البناء می‌گفت: پیامبر، حکومت را ستونی از ستون‌های اسلام معرفی کرده است. از این رو موضوع حکومت در بخش عقاید و اصول عقاید و نه در فقهیات و فروع قرار دارد. (خامه‌یار، ۱۳۹۰: ۱۵۶) این جنبش در پی بازگرداندن اقتدار جهانی اسلام به وسیله حاکمیت قانون شریعت به سوریه بود. (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱: ۱۶۸) تفکر اخوانی، مبنی بر شمولیت اسلام و عدم جدایی میان دین و سیاست، از ویژگی‌های فکری بارز سباعتی بود. در عین حال، او به مرحله‌ای و تدریجی بودن اجرای شریعت اعتقاد داشت. از نظر او احکام اسلام دارای انسجام است و رسیدن به آثار و نتایج هر حکم، مشروط به اعمال قوانین دیگری خواهد بود که تنفیذ و اجرای آن جز از طریق یک حکومت و دولت صالح ممکن نخواهد بود. (علیخانی، ۱۳۸۴: ۴۷۸/۲-۴۷۹)

سباعتی همچنین بیان می‌کند: «اگر نظام عادلانه اسلامی در جوامع ما، جامه عمل بپوشد؛ همه مردم ما، اعم از مسلمان و مسیحی، از آن بهره مند خواهند بود. چون کیفیت وضعی این نظام به گونه‌ای است که قبول یا گرایش به آن، هیچگاه به عنوان پیروزی دینی بر دین یا مسلکی دیگر نخواهد بود، و یا از طرف مسلمین، موضع‌گیری خاصی



علیه مسیحیان محسوب نمی‌گردد، بلکه یک ثروت قانونی شگفتی است که اگر تحت نظارت و شورای اندیشه‌هایی روشن و آموخته به کار گرفته شود؛ شکوه‌مندترین نظامی را خواهیم داشت که چشم‌ها و جان‌ها آرزوی دیدن و رسیدن به آن را دارند». (سباعی، بی تا: ۴۱)

زن: اخوان المسلمین درباره مشارکت زنان در انتخابات معتقدند که نصی در شریعت اسلام یافت نمی‌شود که زن را از شرکت در انتخابات منع کند. خداوند متعال در این باره می‌فرماید:

«مردان و زنان مؤمن، برخی دوستان و یاوران یک دیگرند، هم دیگر را به کار نیک می‌خوانند و از کار بد باز می‌دارند». (توبه: ۷۱)

این آیه، بیانگر وظیفه مشارکت زن با مرد، در انتخاب اهل حل و عقد، یعنی اعضای مجلس شورا یا مجلس و پارلمان و ... است. اخوان معتقد است که خودداری زن از انجام دادن این وظیفه (شرکت در انتخابات) موجب از دست رفتن فرصت و مجال پیروزی اسلام‌گرایان در هر انتخاباتی می‌شود. در نتیجه بستری مناسب برای پیروزی رقیب فراهم خواهد شد. هم چنین اخوان درباره عضویت زن در پارلمان معتقد است که در نصوص شرعی موثق، هیچ دلیل معتبری وجود ندارد که مانع تصدی این گونه پست‌ها از طرف زن بشود. نصوصی که مشارکت زن در انتخابات را تأیید می‌کند، به او حق می‌دهد به عنوان عضوی از این مجالس نیز انتخاب شود. هم چنین اخوان المسلمین معتقد بوده و می‌باشد که زن می‌تواند و حق دارد که تمام وظایف عمومی، به استثنای امامت و رهبری عام را احراز نماید. (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۴۸-۲۵۰)

سباعی نیز در کتاب خود با نام *المراه بین الفقه و القانون*، به بررسی وضعیت زنان در جوامع غربی، به دفاع از وضعیت زن در فرهنگ اسلامی در مقابل اتهامات و حملات مستشرقان متعصب پرداخته است. او، زنان را به طور کامل دارای حقوق سیاسی و

اجتماعی (حق انتخاب و نمایندگی، آموزش، کار و ...) می‌داند. البته برای بعضی از این حقوق قیود و شرایطی را نیز ذکر می‌کند و معتقد است این قیود، تضييع حقوق زن نیست، بلکه نشان‌دهنده زن در جایگاه صحیح خود در جامعه، متناسب با فطرت وی، و رعایت اخلاق اسلامی است. (علیخانی، ۱۳۸۴: ۲/۴۷۴-۴۷۵)

غرب: اخوان شاخه سوریه، معتقد بوده است که غرب دو رویه دارد: یک رویه آن مثبت و دارای علم و تکنولوژی و پیشرفت است، و لایه دوم آن، دربردارنده ایدئولوژی غرب است. اخوان اعتقاد داشته‌اند که باید از ایدئولوژی غرب فاصله گرفت، زیرا از یک سو عامل فساد است و از جانب دیگر در زیر پوشش زیبای فریبنده آن رویاهای سلطه طلبی نهفته است. از نظر اخوان تمدن غرب نتوانسته به ارزش‌های اصیل پی ببرد. بلکه انسان غربی را به صورت یک موجود فردگرا و دنیا پرست درآورده است. بدین سان، نه تنها بزرگ‌ترین ضربه را بر رشد و ترقی انسان وارد کرده؛ بلکه تهدیدی برای سقوط و نیستی این انسان نیز به شمار می‌رود، و همه نظام‌های سرمایه داری و کمونیستی در این پروژه سهیم بوده‌اند. از دیدگاه اخوان المسلمین، علت انحطاط غرب این است که خداوند را به دست فراموشی سپرده و احکام الهی را نادیده گرفته است، چرا که تنها قوانین ملهم از وحی، ضامن سعادت فرد و جامعه بشری به شمار می‌رود. بنابراین موضع آنان به تمدن غرب، تقریباً همان دیدگاه سیدجمال الدین اسدآبادی است؛ نه تماماً منفی بوده و نه هم چون سکولارها، تمدن غرب را به طور کامل قبول کرده‌اند. آنان معتقدند که تمدن غرب نیز همانند سایر تمدن‌ها، خوب و بد، هر دو را در خود دارد، باید وجوه مثبت تمدن غرب را بپذیریم و امور منفی را کنار بگذاریم. (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۴۵-۲۴۶)

سباعی، مخالفت خود را علیه کمونیسم و دموکراسی غرب اعلام داشته و در روند کشاکش‌های جهان نو، موضع بی طرفی اتخاذ نمود. (الحسینی، ۱۳۷۷: ۱۳۹-۱۴۰) وی



معتقد بود: «برتری و چیرگی اندیشه‌های فرهنگی غرب، با ایجاد جوئی از اعجاب و شگفتی، ما (مسلمانان) را نسبت به میراث عقیدتی و فرهنگی خود، و صلاحیت و امکان هماهنگی آن با تحولات جدید، به ویژه در حوزه اقتصاد، دچار تردید ساخت و حتی اندیشه پلیدی که نزدیک به یک قرن یا بیشتر استعمار غربی، تبلیغ می‌کرد، و در مراکز فرهنگی ما تبلیغ می‌شد؛ به مخیله برخی از مدعیان آزادی و بینش علمی، سرایت کرد که رمز عقب ماندگی و انحطاط ملل مشرق زمین - به ویژه کشورهای اسلامی - پایبندی آن‌ها به دین است، تا جایی که بی پروا و آشکارا، دین را عامل تخدیر ملت‌ها و نوکر سرمایه داری و حامی استعمار معرفی کردند». (سباعی، بی تا: ۲۵-۲۶)

سازمان‌ها و تشکیلات اخوان المسلمین سوریه

اخوان المسلمین سوریه، دومین شاخه این جنبش بود که دارای تشکیلات منظم، برنامه منسجم و حضوری فعال در جامعه بود، و به رغم ریشه مصری خود، از انعطاف بیشتری نسبت به رقبا و غیر مسلمانان برخوردار بود. این انعطاف ناشی از وضع جغرافیایی و محیطی آن، یعنی حضور در کشوری با جغرافیای متکثر فرهنگی، بود. با رشد این جنبش در سوریه، روز به روز بر طرفداران آن افزوده شد و این جنبش در کنار خدمات اجتماعی و فعالیت‌های اقتصادی خود، در جنگ اعراب و رژیم صهیونیستی، گردانی رزمی نیز تشکیل داد. (پیشگاهی فرد، ۱۳۹۲: ۱۰)

بعد از قدرت یافتن اخوان سوریه، فعالیت فرهنگی جدید نیز آغاز شد: مدرسه دبیرستانی عربی تأسیس شد که به آموزش جوانان اخوان می‌پرداخت. همچنین موسسه انتشاراتی «دارالطباعة و النشر العربیه» در حلی تأسیس شد که «روزنامه المنار» را منتشر می‌کرد. اخوان جهت اجرای اهداف فرهنگی و سیاسی، فعالیت اقتصادی خود را با احداث کارخانه نساجی آغاز کرد. اقدامات سیاسی اخوان سوریه نیز با

فرستادن چند نماینده به مجلس آغاز شد. (میرعلی، ۱۳۹۱: ۲۳۲-۲۳۴) روزنامه اخوان المسلمین در دمشق، به نشر مطالب خود ادامه داد و کتب متعددی در مورد حسن البنا انتشار داد، و برخی از اعضای اخوان المسلمین سوریه به مقامات بالای کشوری چون وزارت و نمایندگی مجلس دست یافتند. (الحسینی، ۱۳۷۷: ۱۴۰) این تحولات میدانی، نقش اساسی در جهت‌دهی روندهای دیگر از جمله روند سیاسی داشته است. (امیرعبداللهیان، ۱۳۹۲: ۲۰۱)

مساجد نیز نقش مهمی در عضوگیری جوانان به سوی اخوان المسلمین، به منظور آموزش قرآن، و سپس آموزش‌های نظامی داشتند. در مراحل تکمیلی، نحوه کار با اسلحه، شناسائی اماکن و افراد بعثی و مخفی کردن سلاح و مهمات، به جوانان اخوان المسلمین آموزش داده می‌شد. این آموزش‌ها، سخت، و توأم با مقررات شدید انضباطی بود. کلیه فعالیت‌های اخوان المسلمین در دهه ۱۹۶۰ م، مخفی و زیرزمینی نبود. در خود سوریه، یک روزنامه زیر زمینی موسوم به «النذیر» که منعکس‌کننده نقطه نظرهای گروه‌های چریکی اسلامی داخل این کشور بود، در همان ایام کار خود را شروع نمود. (امامی، ۱۳۷۶: ۱۸۲-۱۸۳)

در اواخر دهه ۱۹۶۰ م، در پی شکاف درونی، اخوان المسلمین سوریه به دو گروه میانه رو در دمشق، و جهادی در شهرهای شمالی سوریه، منشعب شدند. عمده حرکت‌های جهادی و مسلحانه از سوی اخوان بر ضد نظام سوریه، در شهرهای شمالی این کشور، در حلب و حماء، انجام می‌شد. (ماهنامه ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۳۳) اخوان سوری در ۲۸ سپتامبر ۱۹۶۱ م، از هم جدا شدند. تمام احزاب سیاسی سوریه، منشور این انفصال را امضا کردند، جز اخوان المسلمین که از ابتدا با آن مخالفت کرد. بحث و کشمکش داخلی شدیدی در محافل رهبران جماعت در



خصوص موضوع گیری نسبت به انفصال به وجود آمد. اگرچه تشکیلات این رهبران منحل شد، آن‌ها به روابط شخصی خود ادامه دادند. (محمد، ۱۳۸۳: ۱۹-۲۰)

بعد از سرکوب شورش اخوان المسلمین توسط حافظ اسد در سال ۱۹۸۲ م، کشور سوریه، دیگر شاهد فعالیت احزاب مخالف نبود و تمامی فعالیت‌های سیاسی توسط احزاب جبهه ملی ترقی خواه انجام می‌شد. با به قدرت رسیدن بشار اسد در سال ۲۰۰۰ م، احزاب مخالف دولت، در داخل و خارج کشور، شروع به رشد نمود و حتی بعضی از احزاب با ۱۰ عضو، اعلام موجودیت نموده‌اند، و بعضی از احزاب، بعد از اعلام موجودیت، دچار انشعاب گردیدند. به طوری که می‌توان گفت، احزاب مخالف دولت سوریه، به شدت دچار اختلاف هستند و تاکنون نتوانسته‌اند یک کنگره و یا ائتلافی ایجاد نمایند و حتی ایشان از ایجاد یک کانال تلویزیونی و یا روزنامه که بتواند با مردم سخن بگوید؛ ناتوان بوده‌اند. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۰) اخوان سوریه، سلفی، تندور و ضد شیعه هستند. شبکه‌های وصال و صفا، نقش زیادی در تحریک احساسات اهل سنت، علیه شیعیان دارند. شهرهای حما و حمص، پایگاه اصلی اخوان می‌باشند. (دبیرخانه بیداری اسلامی، ۱۳۹۰: ۱۴)

گستره تأثیر انقلاب اسلامی ایران بر فعالیت‌های سیاسی اخوان سوریه

انقلاب اسلامی ایران، بر جنبش‌های اسلامی کشورهای مصر و سوریه، به علت سابقه طولانی اخوان المسلمین در آن‌ها، تأثیر غیرمستقیم داشت. این تأثیر به دو صورت بوده است:

۱. رادیکال شدن خط مشی برخی از جنبش‌های اسلامی، و توسل آن‌ها به

شیوه‌های قهرآمیز؛

۲. فعال شدن مجدد جنبش‌هایی که میانه رو بودند و در برابر دولت‌ها به

شیوه‌های مسالمت آمیز رفتار می‌کردند. (احمدی، ۱۳۶۹: ۱۱)

در مورد تأثیر انقلاب اسلامی بر جنبش اسلامی سوریه، می‌توان گفت جنبش اسلامی سوریه، بهترین نمونه رادیکال شدن گروه‌های اسلامی با اثرپذیری از انقلاب ایران بود. (یزدانی و ابراهیمی و جعفری، ۱۳۹۱: ۲۶۷) جنبش اسلامی سوریه در صدد بر آمد تا به روش انقلاب ایران، یک انقلاب اسلامی نیز در سوریه ایجاد کند. البته گفتنی است که اختلافات بین دولت سوریه و جنبش اخوان المسلمین در این کشور، از زمان روی کار آمدن حزب بعث در این کشور آغاز شده بود، لیکن تحت تأثیر انقلاب اسلامی ایران، این رویاری و اختلافات وارد مرحله جدیدتر و شدیدتری شد، و به سمت مبارزات مسلحانه بر ضد دولت سوریه، سوق پیدا کرد، که هدف آن، براندازی دولت و ایجاد یک حکومت اسلامی در این کشور بود. در مقابل، دولت سوریه نیز عکس‌العمل شدیدی در برابر مخالفان از خود نشان داد، و به مقابله و سرکوب شدید مخالفان و جنبش اخوان المسلمین پرداخت. از طرفی مبارزان سوری که مبارزات خود را بر حق و آن را در راستای تحقق یک انقلاب اسلامی در سوریه می‌دانستند؛ متوقع کمک، همکاری و همدردی از طرف رهبران انقلاب اسلامی ایران بودند، و انتظار داشتند که انقلاب اسلامی دولت سوریه را درباره سرکوب مبارزان محکوم کند و از جنبش‌های اسلامی سوریه حمایت نماید. مردم و جنبش‌های سوریه، در بین دیگر کشورهای عرب و کشورهای مسلمان منطقه، بیشترین انگیزه برای برپایی یک حکومت اسلامی در سوریه را- بعد از حرکت‌های اسلامی در لبنان و عراق- از انقلاب اسلامی ایران گرفتند. رهبران و اعضای اخوان المسلمین، بارها بر این مسئله، یعنی اثرپذیری حرکت‌های اسلامی سوریه از انقلاب اسلامی ایران، از سوی سوریه



تأیید کردند، و در سال‌های ابتدای انقلاب اسلامی، حمایت خود را از انقلاب اسلامی اعلان داشتند. (همان: ۲۷۱-۲۷۲)

دولت سوریه و اخوانی‌ها

فعالیت‌های سیاسی اخوان المسلمین سوریه از سال ۱۹۵۷ م شروع شد و افکار عمومی سوریه، دولت، پارلمان و احزاب آن، با اخوان المسلمین مصر همسو و هم صدا شدند، زیرا عبدالناصر در سال ۱۹۵۴ م، وجه یک دیکتاتور تشنه قدرت را یافته بود که به نفع انگلیس و آمریکا، کار می‌کرد. به این ترتیب، سوریه مرزهای خود را برای رهبران اخوان المسلمین باز گذاشت. اما به دنبال اقدام عبدالناصر در اعدام رهبران اخوان المسلمین و سرکوب کامل آن‌ها در نتیجه «حادثه منشیه» در اکتبر ۱۹۵۴ م، افکار عمومی سوریه به خشم آمد و تظاهرات اعتراض آمیزی به راه انداخت. (محمد، ۱۳۸۳: ۱۶-۱۷) اخوان المسلمین سوریه در فعالیت‌های سیاسی بسیاری دست داشته است که شورش حماه و تحصن در مسجد اموی از جمله آن‌هاست.

الف) شورش حماه: اوضاع سیاسی شهر حماه حاکی از رقابت برای یارگیری شدید، بین اخوان و سوسیالیست‌ها بود، و کشمکش سیاسی سنتی، بین آن‌ها به خشونت سیاسی متقابل، تبدیل شده بود، که در آن از شلاق، چماق، چاقو و گاهی کلت استفاده می‌شد. شدت کشمکش روزانه بین اخوان و سوسیالیست‌ها، به حدی بود که «اکرم حورانی»، از رهبران حزب بعث، به «استاد عفلق» و «استاد بیطار»، در سال ۱۹۵۴ م، فشار آورد تا مانع شرکت این حزب در راهپیمایی اعتراض آمیز علیه اقدام عبدالناصر در اعدام رهبران اخوان در مصر شود. این شورش به صورت اعتصاب دانش آموزی به رهبری «مروان حدید»، مسئول تشکیلات دانش آموزی اخوان در دبیرستان عثمانی الحورانی، از بزرگ‌ترین دبیرستان‌های شهر، شروع شد و به مدت ۲۹ روز ادامه یافت و تمام شهر را فرا گرفت. ناصری‌ها و سوسیالیست‌ها، دشمنان سرسخت اخوان، نیز



در این شورش شرکت کردند. گروه مروان حدید در مسجد جامع سلطان، تحصن کردند و با یگان‌های ارتش، درگیر شدند. دستگاه‌های ناصری در مصر و عراق، با سلاح از اخوان حمایت و در ابتدای حکومت عبدالسلام عارف در عراق، پناهگاهی را در این کشور برای آن‌ها ایجاد کرد. حماه به علت خفقان سیاسی، آماده این شورش گسترده بود؛ رابطه بین ناصری است و حزب بعث به دنبال جنبش ۱۸ ژوئیه ۱۹۶۳ م، به انفصال خونین انجامید، و سوسیالیست‌ها از تمام مناصب دولتی، خلع شدند. البته عوامل ایدئولوژیک، نقش خاصی در رهبری جوانان تندروی اخوانی در این شورش داشت. (محمد، ۱۳۸۳: ۲۲-۲۴)

ب) **تحصن در مسجد اموی:** درگیری شدید چند جانبه در سطوح مختلف که در درون حزب بعث، بین لشکر صلاح جدید و سرتیپ امین الحافظ درگرفته بود، و درگیری بین «جناح چپ و راست» حزب بعث، تلقی می‌شد، به اخوان امکان داد که در این درگیری به ایفای نقش بپردازند و از آن به نفع خود استفاده کنند. رهبری داخلی امیدوار بود که از این درگیری استفاده کند، و با کودتا علیه دولت، عصام عطار را به ریاست جمهوری برساند. در میان، تحصنی در مسجد جامع اموی دمشق، صورت گرفت که افسران به سرکوب آن پرداختند. با اینکه اخوان المسلمین به عنوان یک جماعت یا یک تشکیلات، نقشی در طراحی این تحصن نداشت، که به دعوت شیخ جنبکه (از گروه علما) صورت گرفته بود، افراد آن در این ماجرا دست داشتند. از این رو، افسران، همه رهبران سیاسی مخالف، از جمله رهبران رده اول اخوان المسلمین سوریه را دستگیر کردند، اما آن‌ها در ژوئن ۱۹۶۷ م، آزاد شدند. (همان: ۲۶-۲۷) طی دهه ۱۹۷۰ م، اخوان المسلمین و گروه‌های کوچک طرفداران آن تغییر و تحول پیدا کردند و از صورت انجمن‌های نسبتاً کوچک و سر به راه، به صورت یک جنبش بزرگ انقلابی پیکارجو در آمدند. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۸-۱۴۹)



با ادامه مبارزات درون حزبی در حزب بعث، «حافظ اسد» در سال ۱۹۷۰ م، با پشتیبانی ارتش، قدرت را در دست گرفت. وی تا سال ۲۰۰۰ م - که فوت کرد- قدرت را در دست داشت و با فوت او، فرزندش «بشار اسد» قدرت را به دست گرفت. (یزدانی و ابراهیمی و جعفری، ۱۳۹۱: ۲۶۰) همزمان با تلاش‌های حافظ اسد برای تحکیم پایه‌های قدرتش، اخوان المسلمین، به عنوان تهدید علیه رژیم تازه بنیاد سوریه مطرح گردید. «اخوان المسلمین» به سرعت در میان جمعیت سنی مذهبی، که اکثریت ساکنان سوریه را تشکیل می‌دادند، محبوبیت یافت و بدین سان، حکومت حافظ اسد به سادگی و به دلیل اقدامات سکولاریستی اش، در معرض انتقاد و مخالفت‌های این جنبش قرار گرفت. (اخوان کاظمی و ویسی، ۱۳۹۱: ۱۶۸)

پس از انقلاب‌های عربی، اخوان المسلمین شروع کننده تظاهرات سوریه با هدف سرنگونی اسد بود. این جنبش امیدوار بود در سایه انزوای دولت سوریه در جهان عرب و سردی و تنش در روابط آن با غرب، با کمک خارجی آن را سرنگون کند. (Wright, 2008:248) در سال ۱۹۷۳ م، به هنگام تدوین قانون اساسی غیر مذهبی توسط حافظ اسد، شورش‌ها و تظاهرات وسیعی به رهبری اخوان در گرفت. اسد فوراً به اصلاح قانون اساسی دست زد و مقرر شد رئیس جمهور باید مسلمان باشد. اسد برای خنثی کردن انتقاد مخالفان بنیادگرای خود، در سال ۱۹۷۴ به حج عمره رفت و از آن زمان طبق معمول در نمازهای جمعه یکی از مساجد دمشق شرکت کرد. در اواسط دهه ۱۹۷۰، «عدنان سعدالدین» رهبری اخوان المسلمین را به دست گرفت و چند مرحله بر ضد رژیم بعث جهاد کرد. علت این اقدامات نقش سوریه در جنگ داخلی لبنان، فساد حکومتی، رشد تجارت مصرفی و تورم سرسام آور بود؛ اما دلیل اصلی مخالفت اسلامی، پیشرفت علوی‌ها در رژیم و فرسایش قدرت و موقعیت اقتصادی سنی‌ها بود. در حالیکه سنی‌ها، پست‌های مهمی در ارگان‌های سیاسی

(کابینه، قوه قضائیه، و حزب) به عهده داشتند؛ اما قدرت نظامی مؤثر در دست حافظ اسد و خویشاوندان علوی او بود. (یزدانی و ابراهیمی و جعفری، ۱۳۹۱: ۲۶۱)

بعد از انقلاب اسلامی در ایران و آغاز جنگ عراق با ایران، نگرانی و دغدغه سلفی‌های عربستان سعودی، اردن و کویت و شیخ نشین‌های دیگر خلیج فارس، ناشی از نفوذ روزافزون جمهوری اسلامی ایران در بین شیعیان لبنان، و ایجاد محور لبنان-سوریه-ایران (هلال شیعی) موجب شد که آنان اخوان المسلمین سوریه را در خفا، تحریض و تجهیز به شورش علیه حافظ اسد نمایند. در نتیجه اخوان المسلمین سوریه خط مشی مسلحانه را در مبارزه با حکومت حافظ اسد درپیش گرفت. که البته در چند نوبت، در حماه، حمص و ادلب، سرکوب شدند. (اصلاحی، ۱۳۹۱: ۴۴-۴۵)

مرحله دیگر جهاد با بعثی‌ها، در ژوئن ۱۹۷۹ م، با کشتن ۳۸ دانشجوی علوی دانشکده افسری، در حلب و صلات بود که حمله چشمگیر دیگری به ساختمان‌های دولتی، مراکز پلیس و مراکز حزب بعث آغاز شد. در مارس ۱۹۸۰ م، در هفدهمین سالگرد کودتای حزب بعث، اعتصاب و اعتراض گسترده شهرهای سوریه را فرا گرفت. اخوان المسلمین در سازماندهی این اعتراض‌ها نقش محوری داشت. در همان سال سوء قصدی نافرجام، به جان حافظ اسد صورت گرفت که به اخوان المسلمین نسبت داده شد. این اتفاق سبب دستگیری و اعدام ده‌ها عضو اخوان شد. (یزدانی و ابراهیمی و جعفری، ۱۳۹۱: ۲۶۱) در سال ۱۹۸۱ حافظ اسد رئیس‌جمهور سوریه قصد خود را برای از میان برداشتن این گروه علنی نمود. (آقایی و صفوی، ۱۳۶۵: ۱۵۳) و مجازات همکاری با اخوان را مرگ اعلام کرد. (صدیقی، ۱۳۸۴: ۴۵) بر طبق قانون ۴۹ که در سال ۱۹۸۰ در سوریه به تصویب رسیده است؛ هر گونه وابستگی به این حزب ممنوع و اعضای آن، با اعدام مواجه خواهند شد. (سعیدی، ۱۳۸۷: ۱۴۳-۱۴۴)



اخوان سوریه نیز در ائتلاف با چند گروه دیگر اسلامی، جبهه اسلامی سوریه (الجبهه الاسلامیه فی سوریا) را به وجود آورد و در نوامبر ۱۹۸۱، سندی با عنوان «بیانیه انقلاب اسلامی در سوریه و برنامه آن» (بیان الثورة الاسلامی فی سوریا و منهاجها) منتشر، و اهداف خود را در آن بیان کرد. سرنگونی رژیم بعث، اصل نخست بیانیه بود و یکی از اهداف دیگر آن، جهاد مسلحانه بر ضد نظام و تبدیل حکومت بعث به یک حکومت اسلامی بود. (صدیقی، ۱۳۸۴: ۴۵)

در سال ۱۹۸۲ م، که شهر حما در محاصره اخوان بود؛ دولت به شهر حمله ور شد، و حدود ۱۵ هزار تا ۲۵ هزار نفر را کشت. حافظ اسد با این اقدام توانست کانون اعتراض اخوان المسلمین در سوریه را به بهای تبدیل شدن به یک دیکتاتور در افکار عمومی جهان و جامعه سرکوب کند. دولت سوریه بعد از سرکوبی اخوان درصدد تأسیس و تحکیم اسلام سیاسی برآمد. در قالب این سیاست، دولت تصمیم گرفت خود، مشابه جدیدی اسلام را تأسیس نموده و احساسات مذهبی را جذب نماید و مانع شود تا گروه‌های اسلامی مخالف دولت از این احساسات بهره برداری کنند. (اصلاحی، ۱۳۹۱: ۴۸) در نتیجه دولت در دهه ۱۹۸۰ م، شروع به ساختن مساجد و برگزاری مسابقات قرآن نمود، مردم را به رعایت حجاب دعوت کرد، از ۱۹۹۰ م نیز جهت جلوگیری از تبدیل شدن مساجد به محل و مبدأ مخالفت و شورش، مبلغان را مجبور به دریافت مجوز می‌کرد، در پادگان‌ها اقامه نماز مجاز شد. در ادامه این مشی، بشار اسد حتی به افراد مورد حمایت خود اجازه می‌داد تا از دولت انتقاد نمایند. در این میان می‌توان به «محمد حبش»، عضو مجلس، و «صلاح کفترو»، امام مسجد ابونور، اشاره کرد. کفترو به صراحت اعلام می‌کرد که اسلام حاکم در ترکیه، بهترین مدل برای تقلید است. حبش نیز خواستار قانون ۴۹ شده بود و از قانونی شدن احزاب سیاسی اسلامی حمایت می‌نمود. در این راستا، «سوری البوتی»، یک متفکر اسلام‌گرا،

از جنبش اسلامی زنان حمایت نمود. این اقدامات در شرایطی دنبال می‌شد که هیچ اپوزیسیون داخلی اسلامی وجود نداشت و حکم فعالان و شرکت‌کنندگان در اخوان المسلمین قانوناً اعدام بود. به هر حال، دولت موفق شده بود اسلام‌گرایی و احساسات مذهبی را کنترل کند. (همان: ۴۸-۴۹)

بعد از به قدرت رسیدن بشار اسد، فضای سیاسی جدیدی بر سوریه حاکم شد و بسیاری از اعضای اخوان از زندان‌های سوریه آزاد شدند. با اینکه رهبری اخوان المسلمین سوریه همچنان در تبعید است، اما بسیاری از سوری‌ها از این سازمان حمایت می‌کنند. رهبران این جنبش در ژانویه ۲۰۰۶ م، در میان تحولات سوریه در مصاحبه‌هایی، خواستار تبعید مسالمت‌آمیز، و بدون خشونت دولت در دمشق، و استقرار یک حکومت مدنی دموکراتیک در این کشور شدند. (یزدانی و ابراهیمی و جعفری، ۱۳۹۱: ۲۶۱)

در حال حاضر نیز عمده مخالفان رژیم بشار اسد را گروه‌های اخوان تشکیل می‌دهند که گروه‌های تندرو در شهرهای حلب و حما، به خصوص از طریق شاخه نظامی «جبهه النصره» در تقابل مسلحانه با دولت و مردم سوریه قرار گرفته‌اند، و مورد حمایت برخی کشورهای منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای و سازمان‌های تندرو افراط‌گرایی همچون القاعده می‌باشند. در حالیکه جریان‌های میانه‌رو در دمشق، با رویکردی مسالمت‌آمیز، و از طریق گفتگو، در پی حل و فصل بحران سوریه هستند. (ماهنامه ارتش جمهوری اسلامی ایران، ۱۳۹۱: ۳۳)

نتیجه‌گیری

اخوان المسلمین سوریه، به عنوان یک جریان قدرتمند معاصر، از همان آغاز تأسیس، دارای اهداف، اصول، مبانی و تشکیلات خاصی بوده است. این جمعیت که زیرمجموعه‌ای از اخوان المسلمین مصر به شمار می‌رود؛ جنبش اسلام‌گرای سنی



است که برای نیل به مقصود، از هیچ تلاشی فروگذار نکرده است. از آنجا که قانون تثبیت شده برای کشور سوریه، اجرای حکومت به شیوه سوسیالیستی بعثی می‌باشد، لذا اخوان سوری، به رویارویی با دولت سوریه و حزب بعث پرداخته و در این راه از روش‌های جهادی و خشونت‌آمیز نیز استفاده کرده است. از یافته‌های به دست آمده، چنین برداشت می‌شود که جنبش اخوان المسلمین سوریه، آنطور که باید، نتوانسته نقش مؤثر و تعیین‌کننده‌ای در سیاست‌های داخلی و خارجی سوریه ایفا کند. اخوان المسلمین شاخه سوریه، به دلیل اوضاع و شرایط خاص، از جمله اختلافات داخلی بین خود اعضا، مبارزه و مخالفت دائمی با دستگاه دولتی سوریه و اقدامات موفقیت‌آمیز دولت سوریه علیه آن، قدرت قابل توجهی به دست نیاورد.

پی‌نوشت

۱. وَ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَيَطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ: مردان و زنان باایمان، ولی (و یار و یاور) یکدیگرند؛ امر به معروف، و نهی از منکر می‌کنند؛ نماز را برپا می‌دارند؛ و زکات را می‌پردازند؛ و خدا و رسولش را اطاعت می‌کنند؛ بزودی خدا آنان را مورد رحمت خویش قرار می‌دهد؛ خداوند توانا و حکیم است. (توبه: ۷۱)

منابع

الف) کتاب

قرآن کریم

احمدی، حمید (۱۳۶۹). مجموعه مقالات پیرامون جهان سوم، تهران: سفیر.

آقایی، بهمن و صفوی، خسرو (۱۳۶۵ ش). اخوان المسلمین: تاریخ پیدایش، تحولات و فعالیت‌های جنبش اخوان المسلمین در یک قرن اخیر، تهران: شرکت انتشاراتی رسام.

البناء، حسن (بی تا). مجموعه الرسائل، قاهره: دارالشهاب.

الحسینی، اسحاق موسی (۱۳۷۷). اخوان المسلمین بزرگ‌ترین جنبش اسلامی معاصر، ترجمه سید هادی خسرو شاهی، تهران: انتشارات اطلاعات، چ ۲.

امام خمینی، سید روح الله (۱۳۷۲). صحیفه نور، ج ۵، تهران: سازمان مدارک فرهنگی انقلاب اسلامی.

امامی، محمد علی (۱۳۷۶). سیاست و حکومت در سوریه، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

امیرعبداللهیان، حسین (۱۳۹۲). ناکارآمدی طرح خاورمیانه بزرگ در خیزش بیداری اسلامی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه، چ ۲.

برزین، سعید (۱۳۶۵). تحول سیاسی در سوریه، تهران: شرکت سهامی انتشار.

پولادی، کمال (۱۳۹۰). تاریخ اندیشه سیاسی در ایران و اسلام، تهران: نشر مرکز، چ ۳.

خامه‌یار، عباس (۱۳۹۰). ایران و اخوان المسلمین: عوامل همگرایی و واگرایی، تهران: اندیشه سازان نور. دکم‌جیان، هرایر (۱۳۶۶). جنبش‌های اسلامی معاصر در

جهان عرب، ترجمه حمید احمدی، تهران: انتشارات کیهان.

دوئرتی، تری (۱۳۸۵). سوریه، ترجمه مهسا خلیلی، تهران: ققنوس.

سباعی، مصطفی (بی تا). جامعه توحیدی و عدالت اجتماعی، ترجمه سید علی محمد حیدری، تهران: حکمت.



سعیدی، ابراهیم (۱۳۸۷)، سوریه، دفتر مطالعات سیاسی و بین المللی، تهران: انتشارات وزارت امور خارجه.

صدیقی، کلیم (۱۳۸۴). مسائل نهضت‌های اسلامی، ترجمه سید هادی خسروشاهی، تهران: اطلاعات، چ ۲.

علیخانی، علی اکبر و همکاران (۱۳۸۴). اندیشه سیاسی در جهان اسلام از فروپاشی خلافت عثمانی، چ ۲، تهران، انتشارات پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

فراستخواه، مقصود (۱۳۷۷). سرآغاز نواندیشی معاصر دینی و غیردینی، تهران: شرکت سهامی انتشار، چ ۳.

محمد ابراهیم و دیگران (۱۳۸۳). اخوان المسلمین سوریه، ترجمه مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور، تهران: مؤسسه مطالعات اندیشه سازان نور.

میرعلی محمدعلی (۱۳۹۱). چالش سنت و مدرنیته در لبنان و سوریه، قم: مؤسسه بوستان کتاب.

ب) مقالات

اخوان کاظمی، مسعود و ویسی، سارا (۱۳۹۱). «علویان سوریه از شکل گیری تا قدرت یابی»، فصلنامه علمی - پژوهشی شیعه شناسی، سال ۱۰، ش ۳۸.

اصلاحی جواد، (۱۳۹۱). «منحنی تحولات اصلاحی در سوریه و تحلیل نقش اپوزیسیون در این کشور»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، س ۱۹، ش ۳.

پیشگاهی فرد، زهرا و سازگاری اردکانی، محمود و قالیباف، محمدباقر و کامران، حسن (۱۳۹۳). «تبیین قلمروخواهی جنبش اخوان المسلمین در منطقه خاورمیانه»، فصلنامه

پژوهش‌های سیاسی جهان اسلام، س ۴، ش ۱.

دبیرخانه بیداری اسلامی (۱۳۹۰). «نشست تخصصی بررسی بیداری اسلامی با

تمرکز بر تحولات سوریه»، فصلنامه علوم اجتماعی، س ۱، ش ۲.

ذوالفقاری، سیدمحمد (۱۳۸۹). «جریان اخوان المسلمین در خاورمیانه»، فصلنامه

پژوهش‌های منطقه‌ای، ش ۳.

فرهی، عبدالله و آئینه‌وند، صادق (۱۳۹۰). «بررسی سیر رشد و ساختار تشکیلاتی

جنبش اخوان المسلمین بین سال‌های ۱۹۲۸ تا ۱۹۵۲ م»، فصلنامه فروغ وحدت،

س ۷، ش ۲۶.

ماهنامه ارتش جمهوری اسلامی ایران، (۱۳۹۱)، ش ۳۸۴.

نیکدل، محمدجواد، اخوان المسلمین سوریه (۱۳۹۳/۰۶/۰۱)

یزدانی، عنایت‌الله و ابراهیمی، طالب و جعفری، یوسف، (۱۳۹۱)، «بازتاب انقلاب

اسلامی بر جنبش اخوان المسلمین سوریه»، فصلنامه علمی- پژوهشی مطالعات

انقلاب اسلامی، س ۹، ش ۲۸.

ج) منابع لاتین

Briynjar, Lia (1998). **The Society of the Muslim Brothers in Egypt** (The ris of an Islamic mass Movement, pp 192-194), Foreward by jamal albanna;Ithaca Press, Garent Publishing Limited, Printed in Lebanon.

Wright Robin (2008). **Dreams and shadows: the future of the meddie east**, penguin press.



تاریخنامه خوارزمی - فصلنامه علمی - تخصصی - سال سوم، زمستان ۱۳۹۴